

بخت سپید زمستان

www.ketab.ir

مهنار صیدی



پاییز ۱۴۰۳

بخت سپید زمستان

نویسنده: مهناز صیدی

شابک: ۰-۸۸-۷۲۵۹-۷۲۵۹-۹۶۴-۹۷۸

شماره کتاب‌شناسی ملی: ۸۵-۳۲۳۵۳ م

نوبت نشر: دهم

زمان نشر: پاییز ۱۴۰۳

شمارگان: ۱۵۰ جلد

قیمت: ۵۳۰,۰۰۰ تومان

بیادآوری اخلاقی و حرفه‌ای:

کلیه حقوق ناشی از این اثر متعلق به انتشارات شادان است و هرگونه استفاده ماکلی، معنوی و غیره (به هر شکل و در هرگونه بستر واقعی یا مجازی) صرفاً با کسب اجازه رسمی از ناشر (نماینده نویسنده) امکانپذیر می‌باشد.

ناشر شادان

گروه فرهنگی نشریات



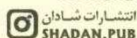
دفتر مرکزی: تهران

اشرفی اصفهانی - بالاتر از نیایش - خیابان دربندی - شماره ۳۵

تلفن ۰۲۰ ۸۸۲۴۱۰۸۱ - ۰۲۰ ۸۸۱۸۴۴۸۰ - ۰۲۰ ۸۸۱۸۴۴۸۰

www.shadan.ir

info@shadan.ir



در اینستاگرام نیز همراهان باشید:

عنوان: بخت سپید زمستان پدیدآور: مهناز صیدی

تهران: شادان / ۱۳۸۵ ۵۶۸ صفحه / (زمان ۱۰۷۸)

شابک: ISBN : 978-964-7259-88-0

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیفا.

موضوع: داستانهای فارسی - قرن ۱۴

رده‌بندی کنگره: ۸۱۴۱ PIR رده‌بندی دیویی: ۶۲ / ۳ فا ۸

شماره کتاب‌شناسی ملی: ۸۵-۳۲۳۵۳ م

بخت و سرنوشت ...

آن سالهای دور تر که همچون شنونده‌ای کم سن و سال، پای صحبت بزرگترهای سن و سال دار بودم این جمله همواره توجهم را جلب میکرد که: «بخت و اقبالش این بود!» و یا تعبیری دیگر از آن: «سرنوشت برایش چنین خواسته بود» و شاید مانند بسیاری دیگر، این سؤال در کوچه‌های ذهنم عبور می‌کرد که آیا واقعاً در پس هر اتفاقی می‌باید به دنبال ردپایی از «بخت و اقبال» گشت و ما آدمیان، با سرنوشتی محتوم به دنیا می‌آئیم و تنها بازیگر نقشی از پیش تعیین شده هستیم؟

قبل از آنکه احساس بخت‌های فلسفی به من دست بدهد لازم است یاد آوری کنم که نام کتاب حاضر ناخواسته مرا تا آن کوچه پس کوچه‌های ذهنم برد و اکنون چند خطی از آن را بر کاغذ آوردم.

به هر حال نکته‌ای که بعدها متوجهش شدم آن است که زمان استفاده از این واژگان - یعنی بخت و اقبال - معمولاً موقع رسیدن به نتیجه‌ای ناخوشایند یا هنگام تصمیم‌گیری‌های بی‌موقع است که هر کس به این طریق از خویش سلب مسئولیت می‌کند و نتایج اعمال خود یا دیگران را با «بخت و اقبال»، مرهمی می‌نهد. شاید ما عادت کرده‌ایم تاوان تصمیمات نا به هنگام یا خطای خود را به جبر و الزام روزگار و کج مداری زندگی نسبت دهیم و از قبول مسئولیت یا اثر گذاری بر محیط خویش بگریزیم. قبول دارم که برخی شرایط محیطی بر سرنوشت آدمی اثر گذارند ولی



www.ketab.ir

دیدنِ زندگی آنانی که در سخت‌ترین و بسته‌ترین اوضاع، به پایانی غیر از تحمیلِ روزگار می‌رسند می‌تواند چراغ راهی برای ما باشد که هستند کسانی که تن به بخت و سرنوشت محتوم نمی‌دهند و تا جای ممکن، تغییر دهنده آن هستند.

همانطور که گفتم نام کتاب باعث یادآوری این افکار شد و اکنون نوشته آن را بی‌مناسبت با همین موضوع نمی‌بینم. کتاب «بخت سپید زمستان» می‌تواند خواننده را در کنار روایت داستان به این فکر نیز وادار کند که ذات انسانی ما - در هر شرایطی - دارای چنان قدرتی از ایمان و اراده است که می‌تواند هر سرنوشت محتومی را تغییر دهد. همچنین با قدرت عشق به چنان تحولاتی دست یابد که هر بیننده‌ای را متحیر از سرنوشت سازد. در واقع سرنوشت همین است: اگر خواستی و برایش ایستادی، می‌شود همان بخت بلند! و اگر نظاره‌گر آمدن و رفتن آن شدی، به نتیجه‌ای جز آه و افسوس از بخت بد و اقبال کوتاه نخواهی رسید.

«بخت سپید زمستان» داستان عشق و زندگی است که منجر به نیروی ایمان می‌شود. شخصی که در این کتاب تعدادهاگاهی می‌ایستد و مسیر آن را با همان ایمان و عشق به دلخواه تغییر میدهد و گاهی منفعل، ناظر وقایع میشود و از نتایج آن تأثیر می‌پذیرد.

به هر حال این تجربه‌ای است که خواندنش برای تمامی ما، آموخته‌ای است که به انبان دانسته‌هایمان از زندگی می‌افزائیم و تجربه می‌نامیم و بی‌تردید روزگاری برای ما راهگشا خواهد بود. باشد تا با خواست و اراده، تأثیر گذار بر سرنوشت خویش باشیم.

سرنوشت را می‌توان از سر، نوشت!

بهمن رحیمی

مهر ماه ۸۶ - تهران

لست لست